

تطابق سیاستگذاری پولی با قوانین و عملیات بانکی بدون ربا در کشور طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۳

حسن سبحانی* و پرگل علیمردانی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۶/۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت اصلاح نظام بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در ۱۳۶۲/۶/۸ به تصویب رسید. با تصویب این قانون، بانک‌ها در سمت تجهیز و تخصیص منابع موظف به رعایت اصول و شرایطی برای حذف ربا از سیستم بانکی شدند. همچنین با استقرار سیستم بانکداری بدون ربا، بانک مرکزی موظف شد تا به انجام وظایف مقرر خود، از جمله اتخاذ و اعمال سیاست‌های پولی در چارچوب عملیات بانکی بدون ربا بپردازد. این مقاله ضمن استخراج سیاست‌های پولی از ابتدای سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳، متناسب با پنج برنامه توسعه، به شش دوره زمانی تقسیم کرده و در هر دوره پس از استخراج سیاست‌های پولی اعمال شده، به بررسی این سیاست‌ها از جهت مطابقت با قوانین سیاست پولی و عملیات بانکی بدون ربا می‌پردازد که از نتیجه این مقایسه، سیاست‌های پولی اعمال شده از جهت میزان مطابقت با قوانین و عملیات بانکی بدون ربا به پنج دسته کلی تقسیم می‌شوند. سپس به جمع‌بندی دلایل عدم مطابقت برخی سیاست‌های اعمال شده با عملیات بانکی بدون ربا پرداخته و آسیب‌های موجود در نظام سیاستگذاری و بانکداری کشور را از جهت مجاری تصویب و اعمال سیاست‌های پولی که سیاست‌های خلاف قانون و خلاف عملیات بانکی بدون ربا را منجر شده‌اند، ذکر کرده و به ارائه پیشنهادهایی در جهت رفع این آسیب‌ها می‌پردازد. روش تحقیق در این مقاله اسنادی کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: سیاست پولی؛ عملیات بانکی بدون ربا؛ برنامه‌های توسعه؛ قوانین سیاست پولی

* استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران؛

Email: sobhanihs@ut.ac.ir

** کارشناسی ارشد بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: alimardani_p86@yahoo.com

مقدمه

سیاست پولی در اکثر کشورها وسیله‌ای است که بانک‌های مرکزی به‌عنوان بانک ناشر اسکناس و کنترل‌کننده اعتبارات برای رسیدن به اهداف خود در اختیار دارند. آنها برای این کار در یک دسته‌بندی کلی از دو نوع ابزار کمی و ابزارهای کیفی به‌شرح زیر استفاده می‌کنند.

● ابزارهای کمی عبارت‌اند از:

۱. **نرخ ذخیره قانونی:** براساس قانون بانکی هر کشور، بانک‌ها موظفند درصدی از سپرده‌های دیداری را به‌عنوان سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی به ودیعه بگذارند، بانک مرکزی می‌تواند با کاهش یا افزایش نرخ ذخیره قانونی با فرض ثابت بودن حجم پول از طریق ضریب فزاینده پولی بر حجم پول تأثیر بگذارد.

۲. **نرخ تنزیل مجدد:** بانک‌های تجاری به‌منظور رفع نیازهای نقدینگی خود در کوتاه‌مدت می‌توانند اوراق و اسناد بهادار موجود خود را با نرخ بهره مشخص به بانک مرکزی ارائه و تنزیل کنند؛ بانک مرکزی می‌تواند با تغییر این نرخ در ذخایر سیستم بانکی و قدرت اعتباردهی بانک‌های تجاری اثر گذاشته و به‌این ترتیب از طریق تغییر در پایه پولی حجم پول را تغییر دهد.

۳. **عملیات بازار باز:** خرید و فروش اوراق قرضه و اوراق بهادار دولتی توسط بانک مرکزی در کشورهایی که بازار پولی توسعه یافته‌ای دارند یکی از فعال‌ترین و مؤثرترین مکانیزم‌های کنترل حجم پول و اعمال سیاست پولی است.

● ابزارهای کیفی عبارت‌اند از:

۱. **تعیین اولویت و سقف اعتبار بخش‌های اقتصادی:** بانک مرکزی می‌تواند با تعیین اولویت‌ها و تعیین سقف اعتبار یا میزان حداکثر مبلغ وام‌ها و یا تعیین نرخ رشد وام‌ها در بخش‌های مختلف بانک‌ها را در زمینه پرداخت وام محدود کند.

۲. **ترغیب اخلاقی:** بانک مرکزی با استفاده از بخش‌نامه‌ها و اطلاعیه‌ها، شرایط و اوضاع اقتصادی کشور را از دیدگاه پولی به اطلاع بانک‌ها می‌رساند؛ این اطلاعیه‌ها و بخشنامه‌ها که جنبه الزام‌آور برای بانک‌ها ندارند، به‌عنوان ترغیب اخلاقی نامیده می‌شوند.

۳. **تعیین شرایط وام‌های اقساطی و رهنی:** در کشورهای صنعتی خرید کالاها با دوام، به میزان تأمین مالی خرید این کالاها توسط بانک‌ها دارد، بانک مرکزی از طریق تعیین

شرایط پرداخت وام‌های اقساطی می‌تواند به مقدار زیادی در تقاضا برای خرید این نوع کالاها مؤثر باشد.

۴. **وجود نرخ‌های ترجیحی:** نرخ‌های ترجیحی در مورد پرداخت وام، شرایط مربوط به ضمانت‌نامه و شرایط دیگری در خصوص اعطای وام یا نحوه وام بخش‌های اقتصادی وجود دارد، باعث می‌شود که حجم وام‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرد. به این ترتیب بانک مرکزی بخش‌های مختلف اقتصادی را درجه‌بندی کرده و پرداخت وام از طرف بانک‌ها را تسهیل یا محدود می‌کند.

در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه حذف ربا از سیستم بانکی بود؛ در همین راستا با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها در سمت تجهیز و تخصیص منابع موظف به رعایت اصول و شرایطی در جهت حذف ربا از سیستم بانکی شدند. با استقرار نظام بانکداری بدون ربا بانک مرکزی نیز موظف شد تا به انجام وظایف مقرر خود از جمله اتخاذ و اعمال سیاست‌های پولی در چارچوب عملیات بانکی بدون ربا با استفاده از ابزارهای ذکر شده در قانون بپردازد.

همچنین براساس ماده (۲۰) قانون بانکداری بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ ابزارهای سیاست پولی عبارت‌اند از:

- تعیین حداقل و یا حداکثر نرخ سود بانک‌ها در پروژه‌ها و مضاربه‌های مشترک،
- تعیین حوزه‌های مختلف برای سرمایه‌گذاری و مشارکت در چارچوب سیاست‌های اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک،
- تعیین حداقل و حداکثر حاشیه سود برای بانک‌ها در معاملات فروش اقساطی و خرید دین،

- تعیین نوع و حداقل و حداکثر کارمزد برای خدمات بانکی،
- تعیین نوع و مقدار جایزه قرض‌الحسنه برای جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه،
- تعیین سهم حداقل و حداکثر در پروژه‌های مشترک، مضاربه، سرمایه‌گذاری، خرید، اجاره، معاملات اقساطی، خرید یا فروش اعتباری، معاملات سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض‌الحسنه برای بانک‌ها.

از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا تاکنون بیش از ۳۰ سال می‌گذرد و بررسی عملکرد نظام بانکی در طول این سال‌ها از جهت مطابقت با شرع مقدس اسلام و میزان موفقیت در حذف ربا از نظام بانکی، فراز و نشیب‌های فراوان داشته است. لیکن با توجه به اینکه بسیاری از ابزارهای سیاست پولی رایج، به دلیل ربوی بودن قابل استفاده در نظام بانکداری ما نبوده و این موضوع نقش بانک مرکزی را در این میان بسیار پررنگ می‌کند به نظر می‌رسد این مهم چندان مورد توجه واقع نشده است. این در حالی است که بانک مرکزی به عنوان کنترل کننده سیستم بانکی و سیاستگذار پولی در کشور می‌تواند نقش بسیار مؤثری در میزان جاری شدن قوانین اسلام و اعمال بانکداری بدون ربا داشته باشد. با توجه به مطالب پیش گفته پرسش‌های اصلی که در این تحقیق قصد بررسی آن را داریم به صورت زیر بیان می‌شود:

۱. آیا سیاست‌های پولی بانک مرکزی به عنوان مهم ترین نهاد پولی کشور در طول این سال‌ها متناسب با عملیات بانکی بدون ربا بوده است؟
 ۲. با توجه به اینکه سیاستگذاری فعلی بانک مرکزی براساس قانون سال ۱۳۶۲ و قوانین قبلی به شرط عدم مغایرت با عملیات بانکی بدون ربا و دیگر قوانین دارای اعتبار در هر زمان صورت می‌گیرد؛ آیا وجود چند قانون مرجع باعث اعمال سیاست‌های متعارض با عملیات بانکی بدون ربا بوده است؟
 ۳. آیا قوانین مصوب سال‌های پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا که در آنها مواردی در ارتباط با سیاستگذاری پولی توسط بانک مرکزی وجود دارد، اجرایی شده‌اند؟ آیا این قوانین خود متناسب با عملیات بانکی بدون ربا بوده‌اند؟
 ۴. اگر برخی از سیاست‌های پولی اعمال شده مغایر با قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده‌اند، دلیل این مغایرت چیست؟ چه عامل یا عواملی باعث شده‌اند تا چنین سیاست‌هایی اتخاذ و اجرایی شوند؟ آیا می‌توان راهکاری اندیشید که دیگر شاهد تکرار چنین سیاست‌هایی نباشیم؟
- در این مقاله ضمن استخراج سیاست‌های پولی اعمال شده از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۹۳ به بررسی میزان مطابقت این سیاست‌ها با قوانین و عملیات بانکی بدون ربا و بیان دلایل تطابق و یا عدم تطابق این سیاست‌ها پرداخته و سپس با آسیب‌شناسی وضع موجود در

ارتباط با سیاستگذاری پولی در کشور به ارائه پیشنهادهایی برای حل معضلات موجود و در جهت حذف سیاست‌های مغایر با عملیات بانکی بدون ربا خواهیم پرداخت.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و مقالاتی که تاکنون درباره سیاست پولی در بانکداری بدون ربا منتشر شده‌اند را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

دسته اول، کتب و مقالاتی هستند که ابزارهای سیاست پولی را از منظر فقهی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در میان این مطالعات اغلب محققان اجرای سیاست پولی در این نظام را ممکن دانسته و معتقدند حذف ربا؛ موجب اختلال در سیاستگذاری اقتصادی نخواهد شد (فراهانی فرد، ۱۳۷۶).

برخی همچون چاپرا (۱۴۰۴)، دادگر (۱۳۷۶)، فراهانی (۱۳۷۶) نیز به بررسی امکان استفاده از ابزارهای سیاست پولی متعارف در بانکداری بدون ربا پرداخته‌اند. این تحقیقات در طول زمان به معرفی ابزارهای نوین سیاست پولی به‌عنوان جایگزین ابزارهای موجود در بانکداری ربوی که منطبق با شرع اسلام نیز باشد روی آوردند. از نمونه آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

موسیویان (۱۳۷۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی فقهی - اقتصادی بازار اقتصادی ثانویه سپرده‌های مدت‌دار در بانکداری بدون ربا» ضمن بیان نظریه سپرده‌های انتقال‌پذیر؛ یکی از مزایای این سپرده‌ها را امکان خرید و فروش آن در بازار ثانویه می‌داند و بیان می‌کند که انتقال‌پذیری این سپرده‌ها ماهیتی شبیه به اوراق قرضه پیدا می‌کند، در نتیجه بانک مرکزی می‌تواند از آن به‌عنوان ابزاری برای اجرای سیاست پولی استفاده کند.

موسیویان (۱۳۸۰) در مقاله خود با عنوان «مشارکت مجدد، جایگزین تنزیل مجدد» ضمن بیان اهمیت سیاست پولی به بررسی جنبه‌های فقهی و حقوقی تنزیل و تنزیل مجدد در نظام بانکداری بدون ربا پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که تنزیل به‌ویژه تنزیل مجدد در نظام بانکداری بدون ربا جایگاهی نداشته و قابل اجرا نیست. وی ابزار «مشارکت مجدد» را به‌عنوان جایگزین تنزیل مجدد پیشنهاد می‌کند.

نظرپور (۱۳۸۴) در مقاله «اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای اعمال سیاست پولی» ضمن تبیین عقد استصناع و ماهیت آن از نظر فقهی، صکوک استصناع را به عنوان جایگزینی برای اوراق قرضه معرفی می کند و چگونگی به کارگیری آن توسط بانک مرکزی در چارچوب عملیات بانکی بدون ربا جهت اعمال سیاست های مناسب اقتصادی را تبیین می نماید.

موسویان (۱۳۹۰) در مقاله «صکوک مرابحه ابزاری برای بازار پول و سرمایه اسلامی، طرح تحول نظام بانکی (اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا)» ضمن معرفی صورت های مختلف انتشار اوراق مرابحه، این اوراق را از جهت انطباق با موازین شرعی و معیارهای اقتصادی مورد بررسی قرار می دهد.

قضاوی و بازمحمدی (۱۳۹۰) در مقاله مشترکی تحت عنوان «عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا؛ مطالعه موردی: اسناد خزانه اسلامی» ضمن معرفی اسناد خزانه اسلامی، چگونگی کاربرد این اوراق در اعمال سیاست پولی و مالی را تشریح کرده و سپس سازوکار قانونی انتشار اسناد خزانه اسلامی و لایحه پیشنهادی خود را برای این اوراق بیان می کنند.

نظرپور و حقیقی (۱۳۹۲) در کتاب نقش بانک مرکزی در اعمال سیاست پولی به وسیله بازار بین بانکی ضمن بررسی بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی به صورتی جامع به بررسی نقش بانک مرکزی در بازار بین بانکی و بیان روش های گوناگون در چارچوب نظام کردیدوری در جهت اعمال سیاست پولی در بازار بین بانکی بانکداری اسلامی می پردازند. پیدآباد (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «اوراق خزانه بدون ربا (ریالی و ارزی)» به معرفی اوراق خزانه بدون ربا در دو نوع ارزی و ریالی به عنوان جایگزین اوراق خزانه متعارف می پردازد.

دسته دوم سلسله مقالاتی هستند که به بررسی عملکرد سیاست های پولی اعمال شده در ایران می پردازند. این مقالات عمدتاً سیاست های پولی را از جهت میزان تأثیرگذاری بر متغیرهای اقتصادی چون: حجم نقدینگی، نرخ تورم و ... میزان دستیابی بانک مرکزی به اهداف خود در این زمینه بررسی کرده اند. از جمله این مطالعات می توان به این موارد اشاره کرد.

بهمنی (۱۳۷۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «عملکرد ابزارهای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ایران طی دهه گذشته» ضمن توضیح ابزارهای موجود در بانکداری بدون ربا برای اعمال سیاست پولی به بررسی عملکرد بانک مرکزی به استفاده از این ابزارها پرداخته است.

فرجی‌دانا (۱۳۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیق کارایی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول» به بررسی عملکرد ابزارهای سیاست پولی در ایران پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخته و ضمن بیان اینکه ابزارهای کمی سیاست پولی در کنترل حجم پول در بانکداری اسلامی کارایی لازم را ندارد؛ این مسئله را دلیلی بر روی آوردن بانک مرکزی در بانکداری اسلامی به استفاده از ابزارهای کیفی سیاست پولی چون محدودیت در اعطای اعتبارات و ... به منظور کنترل حجم پول دانسته است.

کمیجانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عملکرد سیاست پولی در ایران طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۸» در ۶ بخش: قانون پولی و بانکی ایران مصوب سال ۱۳۵۱؛ قانون بانکداری بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲؛ برنامه توسعه پنج‌ساله سوم، برنامه توسعه پنج‌ساله چهارم؛ ابزارهای اصلی سیاست پولی در دوره بعد از انقلاب اسلامی؛ چالش‌ها و نتیجه‌گیری به تبیین و طرح نظرات خود پرداخته و ضمن تحلیل این دوره‌ها با استفاده از سه شاخص تورم؛ رشد نقدینگی و نرخ رشد اقتصادی و نتیجه‌گیری درباره میزان دستیابی به اهداف سیاست پولی در هریک از این دوره‌ها به ارائه راهکارهایی برای افزایش کارایی نظام بانکی می‌پردازد.

ارشدی و میسمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی بسته‌های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی» به بررسی سیاست‌های ذکر شده در این بسته‌ها و میزان عملیاتی شدن آن و میزان دستیابی بانک مرکزی به اهداف خود از جمله کنترل نرخ تورم و ... با توجه به این اهداف پرداخته و پیشنهادهایی را برای تهیه بسته‌های آتی سیاستی بانک مرکزی بیان می‌کنند.

میسمی، موسویان، عبداللهی و امراللهی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور» یکی از مشکلات بانکداری بدون ربا را مشکل عدم وجود نظارت کافی دانسته و ضمن ارزیابی شیوه‌های این نظارت در کشورهای مختلف و وضع موجود بانکداری کشور، برنامه عملیاتی مناسب در سه بازه زمانی کوتاه‌مدت،

میان مدت و بلندمدت را به منظور عملیاتی شدن مسئله نظارت شرعی بیان می کنند.

موسویان، ندیری و میسمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب شناسی فقهی - اقتصادی اوراق مشارکت بانک مرکزی براساس نظر خبرگان» سعی می کنند تا با شناخت صحیح تجربه و شیوه عملیاتی اوراق مشارکت بانک مرکزی، این روش را از دو منظر فقهی - حقوقی و اقتصادی - مالی مورد نقد قرار دهند و راهکارهایی به منظور مرتفع کردن آسیب‌های این اوراق ارائه دهند. یافته‌های این تحقیق می تواند به بانک مرکزی جهت استفاده بهتر از ابزار اوراق مشارکت کمک کند.

لازم به ذکر است موضوع مورد بررسی در این مقاله باب جدیدی از نگاه به سیاست پولی در کشور است؛ زیرا نگارندگان همانند مقالات دسته دوم، عملکرد سیاست پولی اعمال شده در ایران را مورد بررسی قرار خواهند داد، لیکن در این بررسی توجه خود را معطوف به دستیابی به اهدافی چون نرخ رشد حجم پول یا تورم و ... نخواهند کرد بلکه بر میزان تطابق این سیاست‌ها با عملیات بانکی بدون ربا و قوانین شرع مقدس اسلام توجه دارند.

۲. کلیات و روش کار

شاخص ما در این مقاله برای بررسی میزان مطابقت سیاست‌های اعمال شده با عملیات بانکی بدون ربا در ابتدا قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود. اما از آنجاکه این قانون از جامعیت کافی از جهت معرفی ابزارهای سیاست پولی برخوردار نبوده و بسیاری از ابزارهای سیاست پولی متأخر که منافاتی با عملیات بانکی بدون ربا نداشته‌اند در این قانون ذکر نشده‌اند. لذا روش کار در این مقاله به این صورت است که پس از استخراج سیاست‌های پولی اعمال شده طی سال‌های مختلف به بررسی میزان مطابقت این سیاست‌ها با قوانین (قوانین مورد استناد در هر زمان شامل جمع‌بندی مواد مرتبط با سیاست پولی در قانون بانکی و پولی مصوب سال‌های ۱۳۳۹ و قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ به شرط عدم مغایرت با عملیات بانکی بدون ربا به‌اضافه ابزارهای ذکر شده برای اعمال سیاست پولی در قانون عملیات بانکی بدون ربا و موارد مرتبط با سیاست پولی ذکر شده در دیگر قوانین معتبر در هر زمان؛ از جمله قوانین برنامه‌های چندساله توسعه و دیگر قوانین

معتبر در آن بازه زمانی می‌باشد) خواهیم پرداخت. در بررسی سیاست‌های پولی اعمال شده به دلیل تفاوت قوانین قابل استناد در طول هر برنامه توسعه، بررسی خود را به تفکیک در شش بازه زمانی انجام داده و پس از استخراج سیاست‌های پولی اعمال شده و مقایسه اهم سیاست‌ها در طول هر دوره با ابزارهای موجود در قانون، بررسی‌هایی صورت خواهد گرفت: در حالتی که سیاست پولی اعمال شده مبنای قانونی داشته و آن ابزار سیاستی در قانون عملیات بانکی بدون ربا موجود باشد بر سیاست اعمال شده از جهت مطابقت با عملیات بانکی بدون ربا اشکالی وارد نیست. در برخی موارد ممکن است ابزارهای استفاده شده مبنای قانونی داشته لیکن در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ به آنها اشاره نشده باشد و به نوعی ابزارهای جدید محسوب شوند؛ در مورد این ابزارها از جهت مطابقت با عملیات بانکی بدون ربا بحث خواهد شد. در حالت دیگر سیاست پولی اعمال شده در آن دوره مبنای قانونی مشخصی نداشته که در این صورت ماهیت آن سیاست از جهت تطابق با عملیات بانکی بدون ربا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. استخراج و بررسی مطابقت سیاست‌های پولی اعمال شده با قوانین و عملیات بانکی بدون ربا

در این قسمت از کتب گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف بانک مرکزی به عنوان منبع برای استخراج سیاست‌های پولی استفاده شده است و در صورتی که در مورد برخی از سیاست‌ها منبع دیگری مورد استفاده قرار گرفته باشد، ذکر خواهد شد.

۳-۱-۳. بررسی عملکرد سیاست پولی در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۳

سیاست‌های پولی اتخاذ شده در طول سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۳ به شرح زیر است:

۳-۱-۱-۳. تعیین سقف و سهمیه‌بندی افزایش در مانده تسهیلات اعطایی

بر اساس ماده (۱۹) و (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی به تعیین سقف و سهمیه‌بندی افزایش در مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و تعیین حداقل و حداکثر میزان هر یک از عقود برای بانک‌ها یا هر یک از بانک‌ها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف

و تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی برای هر شخص پرداخت، همچنین در ۶۳/۱۱/۲۸ این حدنصاب‌ها توسط شورای پول و اعتبار مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفتند.

۲-۱-۳. تعیین نرخ سپرده قانونی

از آنجاکه تا پیش از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا تفکیک سپرده‌ها به شکلی که در این قانون در نظر گرفته می‌شود وجود نداشت، از سال ۱۳۶۳ با محسوب کردن سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در ردیف سپرده‌های غیردیداری و سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری در شمار سپرده‌های دیداری؛ برای سپرده‌های دیداری نرخ سپرده قانونی معادل ۲۷ درصد و برای سپرده‌های غیر دیداری ۲۵ درصد اعمال شد.

تعیین نرخ سپرده قانونی از مواردی است که در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ به آن اشاره‌ای نشده است لیکن براساس ماده (۷۲) قانون بانکی و پولی^۱ مصوب سال ۱۳۳۹ و بند «۳» ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی^۲ مصوب سال ۱۳۵۱ به بانک مرکزی اجازه داده شده است که با تعیین نسبت و نرخ بهره سپرده قانونی بانک‌ها نزد خود و از طریق تغییر این نسبت‌ها به اعمال سیاست پولی پردازد؛ از آنجاکه در استفاده از این ابزار شبهه ربوی بودن وجود ندارد لذا منافاتی با قانون عملیات بانکی بدون ربا ندارد.

۳-۱-۳. خرید اوراق قرضه بانک مرکزی

از ابتدای سال ۱۳۶۳ با مصوبه شورای پول و اعتبار، بانک‌ها اجازه یافتند با استفاده از منابع خود (سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز) اقدام به خرید اوراق قرضه کنند؛ همچنین

۱. ماده (۷۲): بانک‌ها موظف‌اند قسمتی از سپرده‌های اشخاص را به بانک مرکزی ایران بپردازند. نوع و میزان این سپرده‌ها و بهره‌ای که بانک مرکزی باید به این سپرده‌ها بپردازد طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید تعیین می‌شود، و در هر حال در مورد سپرده‌های مدت‌دار و پس‌انداز ۲۰ درصد و سپرده‌های دیداری از ۳۰ درصد تجاوز نخواهد کرد و تصمیم شورای پول و اعتبار در این مورد نسبت به عموم بانک‌ها یکسان خواهد بود.

۲. ماده (۱۴): بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حسن اجرای نظام پولی کشور می‌تواند به شرح زیر در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند: ۳. تعیین نسبت و نرخ بهره سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که ممکن است برحسب ترکیب و نوع فعالیت بانک‌ها نسبت‌های متفاوتی برای آن تعیین گردد ولی در هر حال این نسبت از ۱۰ درصد کمتر و از ۳۰ درصد بیشتر نخواهد بود.

تعیین میزان اوراق قرضه خریداری و یا بازخرید آنها برعهده بانک مرکزی بود. واضح است از آنجا که این اوراق بر مبنای قرض با بهره می‌باشند و هر نوع شرط اختصاص زیادی در قرارداد قرض مصداق ربا و حرام است، دارای ماهیت ربوی بوده و نرخ بهره تعلق گرفته به آنها ربا محسوب شده و خرید و فروش آن محل اشکال است.

هر چند عده‌ای با استناد به این استدلال که بانک مرکزی و دولت و بانک‌های تجاری دولتی در واقع متعلق به یک کل واحد به نام دولت می‌باشند، معتقد بودند خرید و فروش اوراق قرضه بین بانک مرکزی و بانک‌های تجاری از منظر شرعی ربا محسوب نمی‌شود. لیکن جدا از ادله مباحث فقهی در قبول یا رد این استدلال، تنها با استناد به قانون در این مورد می‌توان گفت که اگر این استدلال را بپذیریم به آن معنا خواهد بود که هر نوع عملیاتی که ماهیت ربوی دارد، اگر بین بانک مرکزی و بانک‌های تجاری (دولتی) صورت گیرد به این دلیل که آنها یک کل واحد محسوب می‌شوند به لحاظ شرعی بلامانع است در صورتی که بر اساس ماده (۲۱) قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نمی‌باشند؛ لذا انتشار و جایگزینی این اوراق در سال‌های پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا دارای ماهیت ربوی و مغایر با قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده است.

۳-۱-۴. تعیین نرخ سود و سهم سود بانک‌ها و حداقل نرخ سود انتظاری تسهیلات

در خرداد سال ۱۳۶۳ شورای پول و اعتبار، حدود قانونی و شرایط اعطای تسهیلات بانکی را به شرح جدول زیر تصویب کرد. طبق این مصوبه نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مضاربه و مشارکت به عهده خود بانک‌هاست.

جدول ۱. نرخ‌های سود تسهیلات بانکی

(درصد)

| صادرات | خدمات | بازرگانی | ساختمان و مسکن | صنعت و معدن | کشاورزی |
|--------|-------|----------|----------------|-------------|---------|
| ۸_۱۲ | ۱۰_۱۲ | ۸_۱۲ | ۸_۱۲ | ۶_۱۲ | ۴_۸ |

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نرخ‌های مندرج در جدول شامل حداقل نرخ‌های سود مورد انتظار و حداقل و حداکثر نرخ‌های قطعی سود تسهیلات می‌باشند. براساس بند «۱» و «۳» ماده (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی می‌تواند به تعیین حداقل و حداکثر نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله بپردازد. لذا استفاده از این ابزار براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا جزء اختیارات بانک مرکزی است.

۵-۱-۳. تعیین نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری

بانک مرکزی در سال ۱۳۶۷ برای اولین بار به تعیین نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت به ترتیب با نرخ شش، پنج و هشت درصد در سال پرداخت. درحالی‌که براساس قوانین موجود قابل استناد برای اعمال سیاست پولی در این دوره؛ استفاده از این ابزار جزء اختیارات بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی نمی‌باشد. همچنین این ابزار از جهت ماهیت نیز با عملیات بانکی بدون ربا سازگار نیست. از آنجاکه براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه فصل دوم این قانون^۱ بانک‌ها حق پرداخت رقم تعیین شده از قبل به‌عنوان سود به‌هیچ‌یک از سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را نداشته و سود تعلق گرفته به این سپرده‌ها منافع حاصله از عملیاتی است که بانک به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران از این سپرده‌ها کسب کرده و پس از کسر حق‌الوکاله و دیگر ملزومات قانونی به تناسب میزان و مدت سپرده آن را میان سپرده‌گذاران تقسیم می‌کند. لذا تعیین دستوری نرخ سود برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان ابزار سیاست

۱. ماده (۹): بانک‌ها سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را که در به‌کار گرفتن آنها وکیل می‌باشند، به‌عنوان منابع سپرده‌گذار، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌دهند.

ماده (۱۰): به‌هیچ‌یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده از قبل به‌عنوان سود پرداخت نخواهد شد. منافع حاصله از عملیات موضوع ماده (۹) براساس قرارداد منعقد، متضمن وکالت بین بانک و سپرده‌گذار متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری پس از وضع سپرده‌های قانونی مربوط و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و در کل وجوه به‌کار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.

تطابق سیاستگذاری پولی با قوانین و عملیات بانکی بدون ربا در کشور ... _____ ۴۵

پولی با عملیات بانکی بدون ربا در تعارض است. در مورد تعیین نرخ سود سپرده‌ها در بخش‌های بعدی مقاله توضیحات تکمیلی ارائه خواهد شد.

۳-۲. بررسی عملکرد سیاستگذاری پولی در سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۸ (دوره برنامه اول توسعه)

در طول سال‌های برنامه اول توسعه نیز سیاست‌های تعیین سقف و سهمیه‌بندی افزایش در مانده تسهیلات اعطایی؛ تعیین نرخ سپرده قانونی و تعیین نرخ سود و سهم بانک‌ها و حداقل نرخ سود انتظاری تسهیلات؛ توسط بانک مرکزی مورد استفاده قرار گرفت. دیگر سیاست‌های اعمال شده در این دوره به شرح زیر می‌باشند:

۳-۲-۱. خرید اوراق قرضه بانک مرکزی

در سال ۱۳۷۰ سقف‌های اعتباری تسهیلات حذف شد و لغو این سقف‌ها موجب شد تا جهت جلوگیری از گسترش بی‌رویه اعتبارات، بانک‌ها ملزم به خرید اوراق قرضه معادل ۳۶ درصد از افزایش در مانده سپرده‌های دیداری بخش غیردولتی نزد خود شوند. در سال ۱۳۷۱ با تعدیلات صورت گرفته در نرخ ارز، نیازهای اعتباری افزایش یافت که در این راستا الزام بانک‌ها به خرید اوراق قرضه لغو و تعهد بانک‌ها به خرید اوراق قرضه جدید و جایگزینی اوراق سررسید شده محدود شد. در سال ۱۳۷۲ با توجه به افزایش نیازهای مذکور، بانک مرکزی اقدام به آزاد کردن وجوه جذب شده بابت اوراق قرضه بانک‌ها نمود، لیکن به دلیل پیش‌بینی رشد نقدینگی به میزانی بیش از هدف تعیین شده، این امر در مرداد همان سال متوقف گردید. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد خرید و فروش اوراق قرضه ناقض عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد.

۳-۲-۲. تعیین نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری

در سال ۱۳۶۹ علاوه بر سپرده‌های بلندمدت یک‌ساله، سپرده‌های سرمایه‌گذاری یک‌ساله، دو ساله، سه ساله و پنج ساله نیز معرفی شد، با معرفی سپرده‌های جدید در این سال حجم سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت از رشد قابل توجهی معادل ۳۶ درصد برخوردار شد و

رشد سپرده‌های کوتاه‌مدت افت شدیدی را نشان داد و از ۲۳ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۶۹ محدود گردید. تعیین دستوری نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری براساس هیچ‌یک از قوانین موجود در آن سال‌ها از اختیارات بانک مرکزی نبوده است و همچنین پیش‌تر بیان شد در صورتی که تعیین نرخ سود سپرده‌ها به صورت دستوری از سوی بانک مرکزی اعلام شود، مغایر با عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد.

۳-۳. بررسی عملکرد سیاستگذاری پولی در سال‌های ۱۳۷۸ - ۱۳۷۴ (دوره برنامه دوم توسعه)

علاوه بر تعیین حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات، نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و تعیین سقف و سهمیه‌بندی افزایش در مانده تسهیلات اعطایی، دیگر سیاست‌های پولی این دوره به شرح زیر است:

۱-۳-۳. کاهش نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه

در جهت عمل به بند «ج» تبصره «۱۰» قانون برنامه دوم توسعه^۱ نرخ ذخیره قانونی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه از ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۲۵ درصد در ۱۳۷۴ کاهش یافت. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد تعیین نرخ ذخیره قانونی برای سپرده منافاتی با عملیات بانکی بدون ربا نداشته و از اختیارات قانونی بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی می‌باشد.

۲-۳-۳. اجازه افتتاح حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی

حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی در سال ۱۳۷۷ با اجازه شورای پول و اعتبار

۱. تبصره «۱۰»:

ج) دولت مکلف است تمام منابع سپرده‌گذاری مردم تحت عنوان حساب قرض‌الحسنه را پس از کسر ذخایر به متقاضیان قرض‌الحسنه دهد.

شورای پول و اعتبار مکلف است نسبت ذخایر قانونی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه را به میزانی تعیین نماید که مجموع نسبت‌های ذخایر قانونی و احتیاطی بانک‌ها از محل این سپرده‌ها از بیست و پنج درصد حجم این سپرده‌ها تجاوز ننماید.

افتتاح شد که هدف اصلی از اجرای این طرح، اعمال سیاست‌های پولی مناسب جهت کنترل و مهار نقدینگی از طریق جذب منابع مازاد بانک‌ها بوده است. بانک مرکزی به سپرده ویژه بانک‌ها نزد خود براساس ضوابط خاصی سود پرداخت می‌کند (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳).

بانک‌ها می‌توانند با اختیار، منابع آزاد خود را در این حساب نزد بانک مرکزی گذاشته و از سود آن منتفع شوند، از آنجا که ذخیره منابع در حساب سپرده ویژه نزد بانک مرکزی برای بانک‌ها اختیاری می‌باشد بدیهی است بانک‌ها در شرایطی این اقدام را انجام خواهند داد که نتوانند از طریق اختصاص منابع آزاد خود در جای دیگر، سود بیشتری کسب کنند، یعنی اختصاص منابع آزاد در سپرده ویژه با احتساب هزینه‌های فرصت برایشان سودآور باشد. لذا نرخ سودی که توسط بانک مرکزی به این سپرده پرداخت خواهد شد در تصمیم‌گیری بانک‌ها برای ذخیره یا برداشت منابع خود از این حساب بسیار مؤثر خواهد بود.

سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی جزء ابزارهای کنترل غیرمستقیم سیاست پولی است بانک مرکزی می‌تواند از طریق افزایش نرخ سود این سپرده و جذب منابع آزاد بانک‌ها به اعمال سیاست پولی انقباضی و از طریق کاهش این نرخ به اعمال سیاست پولی انبساطی بپردازد. بر حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی از چند جهت اشکالاتی وارد است: اول آنکه براساس هیچ‌یک از قوانین قابل استناد^۱ افتتاح چنین حسابی برای بانک‌ها جزء اختیارات بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی در طول برنامه دوم توسعه نمی‌باشد و افتتاح این سپرده مبنای قانونی قابل اتکایی ندارد.

مسئله دوم شبهه ربوی بودن و مغایرت تعلق سود در چنین حسابی با عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد. با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در ۱۳۶۲ ماهیت وام‌های بانکی که تا پیش از آن بر قرض با بهره بنا شده بود به ارائه تسهیلات در قالب انواع عقود اسلامی (مشارکتی، مبادله‌ای، سرمایه‌گذاری مستقیم) تبدیل شد. حال اگر بانک مرکزی همان‌طور که در سایت رسمی این بانک نیز ذکر شده است از تغییر نرخ سود این سپرده‌ها به‌عنوان ابزار

۱. قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲؛ بندهای قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ و قانون بانکی و پولی مصوب سال ۱۳۳۹ که مغایر با عملیات بانکی بدون ربا نباشند و قانون برنامه دوم توسعه.

سیاست پولی استفاده کرده و با مسدود کردن منابع بانک‌ها مانع از انبساط پولی می‌شود؛ سؤال اینجاست که نرخ سود تعلق گرفته به این سپرده‌ها به چه طریق حاصل می‌شود؟ ماهیت این سپرده‌ها چیست؟ اگر بانک مرکزی موجودی حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد خود را دوباره به جریان انداخته و از آن محل سود کسب می‌کند و از این طریق سود سپرده ویژه به بانک‌ها را پرداخت می‌کند پس این سپرده چگونه می‌تواند ابزار سیاست پولی باشد؟ لذا این حساب علاوه بر اینکه مبنای قانونی ندارد از ماهیتی نامشخص نیز برخوردار است.

۳-۴. بررسی عملکرد سیاستگذاری پولی در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۹ (دوره برنامه سوم توسعه)

علاوه بر سیاست‌هایی مانند تعیین نرخ سود تسهیلات، کاهش و یکسان‌سازی نرخ سپرده قانونی برای تمام سپرده‌ها در کلیه بانک‌ها، تعیین سقف افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی که پیش‌تر به لحاظ ماهیتی مورد بررسی قرار گرفت دیگر سیاست‌های اعمال شده در این دوره به شرح زیر است:

۱-۳-۴. انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی

در ماده (۹۱) قانون برنامه سوم توسعه به بانک مرکزی اجازه داده شده است که با تصویب شورای پول و اعتبار، از اوراق مشارکت بانک مرکزی به شرط عدم مغایرت با قانون عملیات بانکی بدون ربا استفاده شود. بدیهی است در صورتی که انتشار این اوراق مغایر با قانون عملیات بانکی بدون ربا باشد اجازه انتشار آن نیز از بانک مرکزی سلب خواهد شد؛ برای بررسی این مهم به ذکر تاریخچه و نکاتی درباره ماهیت این اوراق می‌پردازیم.

مشارکت به معنای شراکت چند نفر به منظور فراهم آوردن سرمایه مورد نیاز برای انجام کاری می‌باشد. عقد شرکت در اصطلاح، اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به صورت مشاع است. به بیان دیگر شرکت قراردادی است که در آن هر کس مال خود را در ازای تملک سهم مشاعی از کل مساوی نسبت مال او به مجموع اموال دیگران تملیک می‌کند (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸).

همچنین سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی در استاندارد شماره ۱۸ خود که در سال ۲۰۰۲ منتشر شده، اوراق مشارکت را اسناد و گواهی‌های با ارزش یکسانی می‌داند که برای تجمیع وجوه لازم جهت راه‌اندازی طرح‌های جدید، توسعه طرح‌های موجود یا تأمین مالی کسب و کارهای مبتنی بر مشارکت منتشر می‌شوند. دارندگان اوراق به میزان سهم خود از مشارکت مالک طرح یا دارایی‌های آن می‌شوند (AAOIFI, 2002).

براساس قانون نیز، اوراق مشارکت اوراق بهادار با نام یا بی‌نامی است که به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین منتشر می‌شود و به سرمایه‌گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرح‌های موضوع انتشار اوراق را دارند واگذار می‌گردد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷).

همان‌طور که مشخص است شاکله این اوراق را قرارداد مشارکت تشکیل می‌دهد به این معنا که خریداران اوراق، از طریق خریداری آنها سرمایه مورد نیاز برای انجام طرحی را تأمین کرده و به نسبت سهم خود و سودی که از طرح حاصل می‌شود؛ سود دریافت می‌کنند. در صورتی که اگر فروش این اوراق برای تأمین مالی انجام طرح یا پروژه‌ای نباشد و در واقع مشارکتی در کار نباشد؛ سود پرداختی به اشخاص ماهیت بهره پیدا خواهد کرد و این اوراق هیچ تفاوتی با اوراق قرضه نخواهند داشت.

به استناد سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران:^۱ «انتشار و عرضه اوراق مشارکت بانک مرکزی از جمله ابزارهای سیاست انقباضی و اجرای عملیات بازار باز می‌باشد؛ به طوری که با عرضه این اوراق از حجم نقدینگی کاسته شده و وجوه این اوراق نزد بانک مرکزی مسدود می‌گردد. در بخش پایه پولی نیز انتشار این اوراق موجب افزایش جزء بدهی‌های بانک مرکزی و کاهش پایه پولی خواهد شد. لذا در مجموع انتشار اوراق موجبات کاهش رشد نقدینگی را فراهم می‌سازد. در واقع سیاستگذار پولی را قادر می‌نماید تا در مواقع لزوم از طریق کنترل نقدینگی، دستیابی به نرخ تورم پایین را میسر سازد» (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳).

با توضیحات پیش‌گفته به خوبی مشخص است اوراق مشارکت به‌عنوان ابزار سیاست پولی، تفاوتی با اوراق قرضه نداشته و در نتیجه سود تعلق گرفته به آن نیز ماهیتی جز بهره و

ربا ندارد. لذا از آنجا که این اوراق ماهیتی ربوی داشته، انتشار آن به عنوان ابزار سیاست پولی مغایر با بانکداری بدون ربا و در نتیجه مغایر با قانون است. عملکرد انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی در سال‌های برنامه سوم مطابق با جدول زیر بوده است.

جدول ۲. وضعیت اوراق مشارکت بانک مرکزی در طول سال‌های برنامه

(میلیارد ریال)

| سال | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ |
|--------------------|--------|--------|---------|---------|---------|
| مانده در پایان سال | ۱۵۹۳/۱ | ۹۴۴۳/۶ | ۱۷۰۵۱/۸ | ۱۶۶۴۹/۷ | ۲۰۲۵۰/۳ |

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲-۴-۳. انتشار اوراق مشارکت ویژه

در ماده (۹۳) قانون برنامه سوم توسعه به دولت اجازه داده شده است به منظور تقویت سرمایه بانک‌ها، حداکثر تا سقف ۵۰۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت ویژه منتشر نماید، و مبلغ این وجوه از خزانه دولت عیناً به بانک‌ها داده شود تا به عنوان افزایش سهم دولت در سرمایه بانک‌ها منظور شود، در طول برنامه دولت به انتشار این اوراق پرداخت و بانک مرکزی با خرید و اختصاص مبلغ مذکور به حساب بانک‌ها، موجبات افزایش سرمایه بانک‌ها را فراهم آورد.

از آنجا که براساس بند «۳» آیین‌نامه اجرایی ماده (۹۳) قانون برنامه سوم توسعه مصوب هیئت وزیران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است منابع لازم را جهت خرید اوراق مشارکت ویژه از محل سپرده‌های تودיעی بانک‌ها نزد بانک مرکزی تأمین نماید، همچنین براساس ماده (۶) و (۷) آیین‌نامه اجرایی این قانون، سود حاصل از افزایش سرمایه بانک‌ها از محل فروش این اوراق به طریق فرمول خاصی که در ماده (۶) این قانون ذکر شده محاسبه و به عنوان سود اوراق مشارکت به دارندگان اوراق پرداخت می‌شود. لذا براساس آیین‌نامه اجرایی این ماده سود این اوراق همان سود حاصل از افزایش سرمایه هر بانک از محل فروش این اوراق می‌باشد و از آنجا که سود اوراق، واقعی و حاصل به جریان انداختن وجوه حاصل از فروش آنها به عنوان سرمایه بانک می‌باشد مغایرتی با عملیات بانکی بدون ربا ندارد.

۳-۴-۳. تأسیس بانک غیردولتی

براساس ماده (۹۸) قانون برنامه سوم توسعه تا پایان برنامه سوم، چهار بانک غیردولتی و یک مؤسسه اعتباری غیربانکی فعالیت خود را آغاز کردند. لیکن در طول سال‌های برنامه تعیین سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی توسط بانک‌های غیردولتی به عهده خود بانک‌ها گذاشته شده و صرفاً به آنها توصیه شد که نرخ سود سپرده‌ها را حداکثر ۲ الی ۳ درصد بالاتر از نرخ‌های سود مصوب شورای پول و اعتبار برای بانک‌های دولتی تعیین کنند.

۳-۵. بررسی عملکرد سیاستگذاری پولی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸ (دوره برنامه چهارم توسعه)

سیاست‌های پولی اتخاذ شده در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه به شرح زیر می‌باشد:

۳-۵-۱. تعیین نرخ سود تسهیلات بانکی

در سال ۱۳۸۴ حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات بانکی برای کلیه بخش‌های اقتصادی در سطح ۱۶ درصد یکسان گردید. در سال ۱۳۸۵ با تصویب قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی^۱ دولت و بانک مرکزی موظف شدند سازوکار تجهیز و تخصیص منابع را طوری سامان دهند که سود مورد انتظار تسهیلات بانکی در عقود با بازدهی ثابت طی برنامه چهارم توسعه کاهش یابد، به طوری که قبل از پایان برنامه؛ نرخ سود این‌گونه تسهیلات یک رقمی شود. اما از همان ابتدای تصویب قانون، بحث‌های زیادی در مورد آن صورت گرفت، بانک مرکزی در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۸ با انتشار بیانیه‌ای به نقد مفاد این قانون پرداخت

۱. قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا): دولت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف‌اند سازوکار تجهیز منابع بانکی را چنان سامان دهند که سود مورد انتظار تسهیلات بانکی در عقود با بازدهی ثابت طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به طوری کاهش یابد که قبل از پایان برنامه؛ نرخ سود این‌گونه تسهیلات در تمامی بخش‌های اقتصادی یک رقمی گردد.

تبصره «۱». درباره عقود با بازدهی متغیر، بانک‌ها مکلف‌اند بدون تعیین نرخ سود مورد انتظار، براساس مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا، در حاصل فعالیت اقتصادی مورد قرارداد شریک شوند، در عقود امور مشارکت برای تولید مذکور در تبصره بند «ب» ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲، بانک نمی‌تواند از شریک وثیقه خارج از طرح بخواهد.

که به‌طور کلی این قانون را مغایر یا معارض با مواد قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌دانست؛ این در حالی است که در سه سال انتهایی برنامه چهارم یعنی پس از تصویب قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی نرخ سود عقود مبادله‌ای توسط شورای پول و اعتبار ۱۲ درصد برای بانک‌های دولتی و یک واحد درصد بیشتر برای بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتبار غیربانکی تعیین شد و در تعیین نرخ سود این تسهیلات بر مبنای قانون رفتار نشد.

همچنین درباره تعیین نرخ سود مورد انتظار عقود مشارکتی، بانک‌ها مکلف بودند بدون تعیین نرخ سود مورد انتظار، در حاصل فعالیت اقتصادی مورد قرارداد شریک شوند این در حالی است که در سال ۱۳۸۶ نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌ها در عقود مشارکتی بانک‌ها (دولتی و غیردولتی) و مؤسسات اعتباری غیربانکی توسط شورای پول و اعتبار معادل نرخ سود تسهیلات در عقود مبادله‌ای هر گروه از بانک‌های مذکور تعیین و در سال ۱۳۸۷ نرخ سود عقود مشارکتی منوط به تأیید گزارش توجیه اقتصادی و فنی طرح از سوی بانک و رعایت این شرط که نرخ سودآوری طرح (بدون احتساب یارانه دولت) حداقل به میزان نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای باشد، بر مبنای سودآوری طرح مورد نظر تعیین شود، در سال ۱۳۸۸ نرخ سود تسهیلات عقود مشارکتی بر اساس نسبت تعیین شده در قرارداد تعیین و مقرر گردید در تسهیلات اعطایی به واحدهای تولیدی (تا سقف ۵۰۰ میلیون ریال) نرخ سود عقود مبادله‌ای ملاک عمل قرار گیرد، لذا در مورد تعیین نرخ سود حداقل برای عقود مشارکتی نیز بر مبنای قانون رفتار نشده است.

در طول سال‌های برنامه چهارم به‌خصوص پس از تصویب قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی در سال ۱۳۸۵ سهم عقود مبادله‌ای از تغییر در مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به بخش غیردولتی کاهش یافته و در عوض سهم عقود مشارکتی افزایش یافته است به نحوی که در سال انتهایی برنامه سهم عقود مشارکتی از تغییر در مانده تسهیلات اعطایی از سهم عقود مبادله‌ای پیشی گرفته به ۷۹/۹ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. دلیل اصلی این امر تثبیت نرخ سود عقود مبادله‌ای در سطح ۱۲ درصد در طول سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ و همچنین تعیین نکردن سقف برای نرخ سود عقود مشارکتی و در

نتیجه سوق یافتن شبکه بانکی کشور به سمت عقود مشارکتی بوده است زیرا در عقود مشارکتی بانک‌ها می‌توانستند با آزادی عمل بیشتری و با نرخ‌های سود نسبتاً آزادتری به ارائه تسهیلات بپردازند. این پدیده می‌تواند مؤیدی بر صوری بودن قراردادهای بانکی باشد.

۲-۵-۳. سهمیه‌بندی افزایش در مانده تسهیلات بانک‌ها

بر اساس ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم از ابتدای این برنامه، هر گونه سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی (تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی و منطقه‌ای) و اولویت‌های مربوط به بخش‌ها و مناطق لغو گردید و سهمیه‌بندی‌ها صرفاً می‌تواند از طریق تشویق سیستم بانکی با استفاده از یارانه نقدی و وجوه اداره شده، صورت گیرد. به همین دلیل در سه سال ابتدای برنامه سهمیه‌بندی افزایش در مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها از سمت بانک مرکزی تعیین نشد. اما از سال ۱۳۸۷ در اولین بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات بانکی را تعیین و به بانک‌ها توصیه کرد که در تخصیص تسهیلات خود این سهم‌ها را مدنظر قرار دهند.

۳-۵-۳. آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین

آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین در سال ۱۳۸۴ تصویب شد، مطابق ماده (۳) این آیین‌نامه، بانک مرکزی موظف است ترتیبی اتخاذ کند که طی سال‌های برنامه چهارم به ترتیب حداقل ۳۵، ۲۰، ۵۰، ۵۰، ۵۰ درصد از منابع اعتباری بانک‌ها به طرح‌های بنگاه‌های کوچک موضوع این آیین‌نامه اختصاص یابد. در نتیجه بانک‌های عامل اعم از تجاری و تخصصی ملزم شدند به ترتیب ۶۷/۷، ۱۸۰، ۱۵۰، ۷۰ هزار میلیارد ریال (در مجموع ۴۶۷/۷ هزار میلیارد ریال) از تسهیلات خود را به بنگاه‌های کوچک و زودبازده و کارآفرین اختصاص دهند. در سال ۱۳۸۸ نیز چند بانک دولتی موظف شدند ۵۰ درصد از تسهیلات اعطایی خود به بخش غیردولتی را به این بنگاه‌ها اختصاص دهند.

به استناد بند «الف» ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه هرگونه مصوبه هیئت وزیران در مورد اختصاص درصدهای مشخصی از تسهیلات بانکی به بخش یا موضوع خاص مغایر با این ماده می‌باشد؛ که شامل آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک نیز می‌شود و دولت تنها در صورتی می‌تواند بانک‌ها را ملزم به این کار کند که با استفاده از یارانه نقدی و وجوه اداره شده آن را تأمین اعتبار کند.

۴-۵-۳. تعیین نسبت سپرده قانونی

با توجه به یکسان شدن نسبت سپرده‌های قانونی در سال ۱۳۸۳، نسبت سپرده قانونی برای انواع سپرده‌های بانک‌های تخصصی و تجاری نیز به ترتیب معادل ۱۰ و ۱۷ درصد تعیین شد؛ اما در اولین بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی در سال ۱۳۸۷ این سیاست تغییر کرد و برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ نسبت سپرده‌های قانونی سپرده‌های مختلف بانک‌های تجاری در بسته‌های سیاستی نظارتی بانک مرکزی براساس سررسید آنها تعیین شد؛ لکن نسبت سپرده قانونی برای بانک‌های تخصصی (به‌استثنای سپرده پس‌انداز بانک مسکن) بدون تغییر و معادل ۱۰ درصد باقی ماند. براساس بند «ب» ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه، بانک مرکزی موظف شده است به تعیین نسبت‌های سپرده قانونی یکسان برای همه سپرده‌ها در کلیه بانک‌ها در سطح میانگین موزون نسبت سپرده قانونی در پایان سال ۱۳۸۲ برای سال‌های دوره برنامه چهارم توسعه پردازد لذا اقدام بانک مرکزی در تغییر نرخ‌های سپرده قانونی متناسب با سررسید سپرده‌ها ناقض قانون برنامه چهارم بوده است.

۵-۵-۳. انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی

براساس بند «ح» ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه به بانک مرکزی اجازه داده شده برای اعمال سیاست پولی از ابزارهای موجود در قانون عملیات بانکی بدون ربا و اوراق مشارکت با اجازه مجلس استفاده کند، در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۸ با مصوبه مجلس نیاز به اجازه مجلس برای انتشار اوراق برداشته و تصمیم‌گیری در این مورد به شورای پول و اعتبار محول شد. به این ترتیب بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به انتشار ۱۵ و ۳۰ هزار میلیارد ریال

اوراق مشارکت پرداخت؛ لیکن انتشار این اوراق برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ متوقف شد. بر انتشار این اوراق توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مطابقت با قانون ایرادی وارد نیست و استفاده از این ابزار برای اعمال سیاست پولی مطابق با قانون برنامه چهارم توسعه است؛ اما همان‌طور که در بخش‌های پیشین توضیح داده شد این اوراق ماهیتی ربوی داشته و انتشار آن به‌عنوان ابزار سیاست پولی مغایر با عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد.

۶-۵-۳. تعیین نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری

شورای پول و اعتبار در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ به تعیین نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها به ترتیب در دامنه ۷ درصد (سپرده‌های کوتاه‌مدت) و ۱۶ درصد (سپرده‌های بلندمدت)؛ ۷ درصد (سپرده‌های کوتاه‌مدت) و ۱۶ درصد (سپرده‌های بلندمدت)؛ ۹ درصد (سپرده‌های کوتاه‌مدت)؛ ۱۹ درصد (سپرده‌های پنج‌ساله)؛ ۹ درصد (سپرده‌های کوتاه‌مدت) و ۱۷/۵ درصد (سپرده‌های پنج‌ساله) پرداخته است.

براساس قانون، اختیار تعیین نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها در طول برنامه چهارم برای اعمال سیاست پولی داده نشده است؛ اما برای بررسی ماهیت نرخ سود علی‌الحساب و بررسی مغایرت یا عدم مغایرت این ابزار با عملیات بانکی بدون ربا نیاز است مباحث زیر ذکر شود:

طبق بند «ب» ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به‌کار گرفتن آنها وکیل است در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین براساس ماده (۵) این قانون منافع حاصل از عملیات بانک براساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به‌کار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد. در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر در بانکداری بدون ربا پرداخت سود قطعی به سپرده‌گذاران توسط بانک تعهد و تضمین نمی‌شود، پس ماهیت مبالغی که سپرده‌پذیر معمولاً در فواصل زمانی مشخص تحت عنوان سود علی‌الحساب دریافت می‌کند چیست؟

به‌طور منطقی اگر قرار باشد سپرده‌گذاران سود قطعی خود را در پایان مدت

سپرده گذاری و یا پایان سال مالی دریافت کنند، ممکن است سپرده گذاری به این شیوه جاذبه مالی چندانی برای صاحبان سپرده نداشته باشد. بر این اساس سیستم بانکی کشور برای رفع این مشکل پدیده سود علی الحساب سپرده ها را طراحی کرده است. لذا سود علی الحساب عبارت است از درصدی از سود قطعی سپرده ها که هر بانک با توجه به پیش بینی سود و زیان عملیاتی خود در سال آتی با توجه به مبلغ و نوع سپرده ها تعهد می کند قبل از فرارسیدن سال مالی و مشخص شدن سود قطعی تعلق گرفته به هر سپرده، در مواعد معین به سپرده گذاران به نسبت مدت و مبلغ سپرده پرداخت کند. پس از پایان سال مالی و مشخص شدن سود بانک در سال مورد بحث، مبلغ سود قطعی قابل پرداخت به سپرده گذاران با احتساب میزان سود علی الحساب پرداختی به آنان مشخص می شود. در نتیجه سود علی الحساب تعهد بانک است به سپرده گذار که ابتدا از منابع خود و پس از مشخص شدن سود قطعی از آن کسر خواهد کرد و از آنجا که براساس توافق بین بانک و سپرده گذار بوده است شبهه ربوی بودن بر آن وارد نیست، اما اگر سود علی الحساب به پرداخت سود تضمین شده و از پیش توافق شده تبدیل شود که حتی در صورت زیان، بانک متعهد به پرداخت آن می باشد؛ در این صورت بانکداری اسلامی بدون شک به مرزهای بانکداری ربوی نزدیک شده است. شاید به همین جهت است که ماده (۱۰) آیین نامه تجهیز منابع پولی مصوب ۱۳۶۲ در این زمینه تصریح کرده است: به هیچ یک از سپرده های دریافتی تحت عنوان سپرده های مدت دار رقم تعیین شده از قبل به عنوان سود پرداخت نخواهد شد (نظافتیان، ۱۳۹۲).

براساس مباحث پیش گفته سؤال دیگر این است که اگر سود علی الحساب عبارت است از درصدی از سود قطعی سپرده ها که هر بانک با احتساب موارد خاصی چون سود و زیان خود و ... آن را تعیین می کند، پس تعیین سود علی الحساب سپرده ها چگونه می تواند به عنوان ابزار سیاست پولی در اختیار بانک مرکزی باشد؟ و تعیین دستوری آن توسط بانک مرکزی چه جایگاهی دارد؟

براساس بندهای مختلف ماده (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک مرکزی می تواند از طریق تعیین نسبت سهم سود بانک ها در عقود مشارکتی و نسبت سود بانک ها در عقود مبادله ای و تعیین حق الوکاله به کارگیری سپرده های سرمایه گذاری و تعیین حداقل نرخ سود

احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه و مشارکت به اعمال سیاست پولی پردازد، اما از آنجا که براساس مفاد ذکر شده در این قانون نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری سود حاصله از انجام عملیات بانک که در به کار گرفتن آنها وکیل است بوده و بین سپرده‌گذاران و بانک تقسیم می‌شود و براساس ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا به هیچ‌یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده از قبل به‌عنوان سود پرداخت نخواهد شد؛ بنابراین از آنجا که نرخ سود قطعی و علی‌الحساب این سپرده‌ها تابعی از نرخ سود تسهیلات و انجام عملیات بانک است و میزان آن بستگی به سوددهی بانک‌ها و عواملی که به ذکر آن پرداختیم دارد و تعیین میزان آن از اختیارات بانک نیست بلکه منافع حاصل از عملیات بانک می‌باشد. پس بانک مرکزی هم نمی‌تواند از طریق تعیین حدود برای نرخ‌ها که تعیین آن جزء اختیارات بانک نمی‌باشد و تابع بازدهی بانک‌ها و نرخ سود تسهیلات می‌باشد به‌عنوان ابزار سیاست پولی استفاده کند و چنین اقدامی با بانکداری بدون ربا در تعارض است.

۷-۵-۳. تعیین حق‌الوکاله سپرده‌های سرمایه‌گذاری

براساس بند «۴» ماده (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی می‌تواند از طریق تغییر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر اینکه بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و میزان حق‌الوکاله به کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری به اعمال سیاست پولی پردازد؛ میزان این حق‌الوکاله در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ براساس بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی حداکثر به میزان ۳ درصد تعیین شد که بانک‌ها می‌توانستند برای کاهش این میزان و افزایش خدمات بانکی با یکدیگر رقابت کنند.

۸-۵-۳. کنترل اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی

بدهی شبکه بانکی به بانک مرکزی در ۹ ماهه ابتدای سال ۱۳۸۷ نسبت به پایان اسفند ۱۳۸۳ تقریباً ۱۰ برابر و در آذرماه ۱۳۸۷ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۵۶ درصد رشد داشته است و عمده دلیل افزایش آن، اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است. یکی از علل منفی

شدن حساب بانک‌ها نزد بانک مرکزی، فعالیت شبکه بانکی در بخش ارزی است. زمانی که بانک‌ها اعتبار ارزی پرداخت کنند و مشتریان نتوانند در سررسید معین، آن را بازپس دهند مجبور به استقراض از منابع در اختیار بانک مرکزی می‌شوند. بانک‌ها در خصوص اعطای تسهیلات ریالی نیز ممکن است به استقراض از بانک مرکزی مجبور شوند، تسهیلات تکلیفی نیز در برخی مواقع شبکه بانکی را مجبور به برداشت از منابع بانک مرکزی می‌کند. عدم وصول مطالبات معوق بانک‌ها نیز در شکل‌گیری بدهی شبکه بانکی نزد بانک مرکزی مؤثر است.

در سال ۱۳۷۸ بانک مرکزی در بسته سیاستی نظارتی خود اعلام کرد بانک‌ها تنها مجازند در حد رفع مشکلات کوتاه‌مدت و مقطعی جدول نقدینگی خود از بانک مرکزی اضافه برداشت داشته باشند و بانک مرکزی این موضوع را از طریق دو ابزار کنترل‌های اداری و کنترل قیمتی (اخذ هزینه ۳۴ درصد سالانه از این منابع) کنترل خواهد کرد. همچنین در سال ۱۳۸۸ نیز هزینه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی ۳۴ درصد باقی ماند.

در مورد اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی سؤال این است که ماهیت نرخ ۳۴ درصد هزینه سالانه که بانک مرکزی از بانک‌ها در صورت اضافه برداشت دریافت می‌کند چیست؟ در صورتی که ماهیت اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی استقراض از بانک مرکزی باشد به نظر می‌رسد چیزی جز این نیست در نتیجه دریافت نرخ ثابت ۳۴ درصد اضافه بر مبلغ قرض گرفته شده، ماهیت ربوی داشته و مغایر با ماده (۲۱) قانون عملیات بانکی بدون ربا^۱ است.

۹-۵-۳. راه‌اندازی بازار بین‌بانکی

بازار بین‌بانکی در بانکداری متعارف یکی از اجزای بازار پول است که در آن بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری نسبت به معاملات با یکدیگر جهت تأمین مالی کوتاه‌مدت مبادرت می‌ورزند. اولین و مهم‌ترین نقش این بازار مداخله فعالانه و مؤثر بانک مرکزی در اجرای

۱. ماده (۲۱) قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲: بانک مرکزی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نیستند.

سیاست پولی از طریق راهبری نرخ‌های سود است. در ایران نیز مقررات حاکم بر بازار بین‌بانکی ریالی در ۱۳۸۳/۷/۱۸ تصویب و از تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۸ این بازار رسماً شروع به کار کرد. براساس مقررات ذکر شده بانک مرکزی به‌عنوان تنظیم‌کننده بازار، کلیه امور مربوط به برنامه‌ریزی سامان‌دهی، هماهنگی، تدوین مقررات، نظارت، کنترل و تسویه معاملات را برعهده داشته و جهت اعمال سیاست پولی در بازار شرکت می‌کند. اعضای بازار نیز می‌توانند وجوه خود را نزد یکدیگر به‌صورت سپرده سرمایه‌گذاری (شامل گواهی سپرده منتشر شده توسط خود) در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا تودیع نمایند. نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها طبق توافق طرفین تعیین می‌شود. همچنین بانک‌ها می‌توانند در این بازار به انجام معاملات دیگری چون خرید و فروش دین، اوراق مشارکت، و گواهی سپرده (عام و خاص و ویژه) و سایر معاملات با موافقت بانک مرکزی بپردازند. بانک مرکزی می‌تواند در بازار بین‌بانکی در بانکداری اسلامی در چارچوب نظام کریدوری مبتنی بر تنزیل اوراق با بازدهی ثابت، از راه عملیات بازار باز، نسبت سپرده قانونی، نرخ تنزیل مجدد و عملیات شبه بازار به اعمال سیاست پولی بپردازد. از آنجاکه ابزارهای ذکر شده برای انجام معاملات در شکل‌گیری بازار بین‌بانکی ریالی مانند گواهی سپرده، اوراق مشارکت، خرید دین و ... همگی ابزارهایی هستند که پیش از این مورد استفاده بانک‌ها برای انجام عملیات متداول آنها بوده‌اند و به لحاظ مطابقت با قوانین و عملیات بانکی بدون ربا مورد بررسی قرار گرفته‌اند لذا مادامی که ابزارهای مورد استفاده در بازار بین‌بانکی ریالی برای انجام معاملات و ... مغایرتی با قوانین نداشته باشد، تأسیس و ادامه فعالیت این بازار مطابق با قانون است.

۳-۶. بررسی عملکرد سیاست پولی در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۹ (برنامه پنجم توسعه)
علاوه بر استفاده از ابزارهای سیاستی چون سهمیه‌بندی بخشی تسهیلات؛ تغییر نرخ ذخیره قانونی و تعیین نرخ سود تسهیلات، دیگر ابزارهای سیاست پولی اعمال شده به شرح زیر می‌باشد:

۳-۶-۱. تعیین نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری

براساس ماده (۹۲) قانون برنامه پنجم توسعه، شورای پول و اعتبار موظف است در طول

برنامه، نرخ سود علی الحساب سپرده‌های یک‌ساله را حداقل به میزان میانگین نرخ تورم سال قبل و پیش‌بینی سال مورد عمل تعیین نماید. همچنین نرخ سود تسهیلات متناسب با نرخ سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار بانک‌ها توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. بر این اساس در هماهنگی با روند نزولی نرخ تورم در سال ۱۳۸۸ و پیش‌بینی موجود مبنی بر تداوم این روند در سال ۱۳۸۹ و در راستای کاهش هزینه بانک‌ها؛ نرخ سود علی الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۸۹ تعدیل شد، در این سال نرخ سود سپرده‌ها برای سپرده‌های کوتاه مدت، یک‌ساله، دو ساله، سه ساله، چهار ساله و پنج ساله به ترتیب ۱۱-۶، ۱۴، ۱۴/۵، ۱۶ و ۱۷ درصد تعیین شد. در سال ۱۳۹۰ در ابتدای سال نرخ‌های حداکثر برای سپرده‌های بانکی به ترتیب ۱۰، ۱۲/۵، ۱۳، ۱۴، ۱۴/۵ و ۱۵ درصد تعیین شدند و مقرر شد در صورتی که بانک‌ها از نرخ‌های اعلام شده تخلف کنند علاوه بر جریمه انضباطی بانک مرکزی با افزایش نرخ سپرده قانونی برای برخی از سپرده‌ها آنها را جریمه کند. اما از تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ تعیین نرخ سود علی الحساب سپرده‌های بانکی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی واگذار شد.

در ابتدای سال ۱۳۹۳ بانک مرکزی با اتخاذ سیاست میانه‌ای سعی کرد تا ضمن اعلام نرخ سود واحدی برای ایجاد انضباط مالی برای اعلام این سود با بانک‌ها تفاهم کرده و به توافق برسد، از این رو در جلسه‌ای میان مدیران عامل بانک‌ها و رئیس کل بانک مرکزی در تاریخ ۹۳/۲/۳ توافق شد که نرخ سود علی الحساب حداکثر ۲۲ درصد برای سپرده‌های یک‌ساله اعمال شود و از فعالیت مؤسساتی که نرخ‌های جدید سودهای بانکی را رعایت نکنند ممانعت به عمل آید (همتی، ۱۳۹۳).

هرچند براساس ماده (۹۲) قانون برنامه پنجم توسعه؛ ضروری است نرخ سود علی الحساب سپرده‌های یک‌ساله و نرخ سود تسهیلات متناسب با نرخ سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار بانک‌ها توسط شورای پول و اعتبار تعیین شود اما این بند از قانون برنامه پنجم توسعه با عملیات بانکی بدون ربا سازگار نیست. نیاز است تا به ذکر نکاتی در باب تعیین نرخ سود پردازیم:

در سیستم بانکداری متعارف بانک‌ها واسطه و جوه بین سپرده‌گذاران و تقاضاکنندگان

منابع مالی بوده و بخش زیادی از سود بانک‌ها از اختلاف بین نرخ بهره پرداختی به سپرده‌گذاران و دریافتی از دریافت‌کنندگان وام‌های بانکی تأمین می‌شود، لذا تعیین نرخ بهره بانکی تأثیرات زیادی بر نظام اقتصادی و نوسانات آن دارد.

در سیستم بانکداری بدون ربا بانک‌ها و کیل سپرده‌گذاران بوده و از طریق به‌کارگیری منابع حاصل از سپرده‌ها در طرح‌های سودده، کسب سود کرده و سود حاصله را میان سپرده‌گذاران تقسیم می‌کنند و براساس قانون حق اعلام سود تضمین شده‌ای از قبل به‌عنوان سود قطعی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری را نیز ندارند؛ بدیهی است در این سیستم نرخ سود سپرده‌ها پیش از مشخص بودن نرخ سود تسهیلات قابل تعیین نمی‌باشد و نرخ سود تسهیلات نیز تابع عوامل مختلفی چون عملیات بانک‌ها، نرخ تورم و ... می‌باشد. در نتیجه این نرخ سود تسهیلات است که نرخ سود سپرده‌ها را مشخص می‌کند. لذا این ماده از قانون برنامه پنجم با روح کلی عملیات بانکی بدون ربا مغایر است و مگر نه این است که در سیستم بانکداری بدون ربا این نرخ سود سپرده‌ها است که براساس میزان سود تسهیلات تعیین می‌شود نه برعکس؟ آیا این عمل حاصل یکسان‌انگاشتن نرخ بهره در بانکداری ربوی و نرخ سود در بانکداری بدون ربا نیست؟ آیا نشان‌دهنده این واقعیت نیست که در عمل و نبود نظارت کافی، بانک‌ها طی چند سال پس از تصویب قانون؛ بدون توجه به نرخ سود تسهیلات، نرخ مشخصی بهره به سپرده‌گذاران پرداخته‌اند؟

۲-۶-۳. انتشار اوراق گواهی سپرده عام و خاص

براساس بند «۱۴» ماده «۱۴» قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ بانک مرکزی می‌تواند به تعیین شرایط کلی اخذ وام بانک‌ها از افراد و انتشار اوراق گواهی سپرده بپردازد. با توجه به دستورالعمل افتتاح حساب و انتشار اوراق گواهی سپرده در سال ۱۳۷۹، این شرایط برای بانک‌ها فراهم گردید تا با تأیید بانک مرکزی نسبت به انتشار اوراق گواهی عام و خاص با نرخ سود علی‌الحساب مشخص اقدام کند. از آنجاکه ماهیت این گواهی‌ها به ماهیت سپرده‌ای که برای آن صادر می‌شوند بستگی دارد و در متن قانون تعیین شرایط برای صدور اوراق گواهی سپرده توسط بانک مرکزی بیان شده است، لذا بانک مرکزی می‌تواند این

شرایط را به نحوی تعیین کند^۱ که این اوراق مغایرتی با عملیات بانکی بدون ربا نداشته باشند و به لحاظ قانونی نیز جزء اختیارات بانک مرکزی می‌باشد.

۳-۶-۳. انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی

براساس بند «الف» ماده (۸۳) قانون برنامه پنجم توسعه به بانک مرکزی اجازه داده شده در طول برنامه پنجم توسعه جهت تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی توسعه‌ای دولتی نسبت به انتشار اوراق مشارکت و انواع صکوک اسلامی در بازارهای بین‌المللی اقدام کند.

در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ شورای پول و اعتبار به بانک مرکزی اجازه داد تا سقف مورد تأیید رئیس کل بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی به انتشار انواع اوراق مشارکت و انواع صکوک اسلامی پردازد و نرخ سود این اوراق نیز توسط رئیس کل بانک مرکزی تعیین شود. در سال ۱۳۹۳ به بانک مرکزی اجازه داده شد برای اعمال سیاست پولی تا سقف ۱۰۰ هزار میلیارد ریال، اوراق مشارکت منتشر نماید و شرایط مزبور به اوراق مشارکت بانک

۱. اوراق گواهی سپرده از دو جهت قابل بررسی است:

الف) ماهیت فقهی نرخ سود: بازدهی این اوراق شامل نرخ سود طول دوره و پایان دوره و همچنین تغییرات مثبت در قیمت این اوراق می‌باشد. طی رابطه وکالت، سپرده‌گذار به بانک این اختیار را می‌دهد که به عنوان وکیل وی؛ سپرده را در فعالیت اقتصادی به کار گیرد و سود را به سپرده‌گذار پرداخت کند و به این صورت بانک حق الوکاله کار خویش را دریافت کند. در دستورالعمل بانک مرکزی نحوه محاسبه سود قطعی این سپرده‌ها و حق الوکاله بانک در نظر گرفته شده است.

ب) امکان خرید و فروش این اوراق و ایجاد بازار ثانویه برای گواهی‌های سپرده: خرید و فروش این سپرده بر مبنای رابطه وکالت از منظر فقهی پذیرفته شده نیست زیرا هنگامی که رابطه حقوقی بین بانک و سپرده‌گذار رابطه وکالت است در نتیجه صاحب گواهی سپرده هر زمان که نیاز به پول نقد پیدا کند، بایستی به بانک مراجعه کرده و با فسخ قرارداد وکالت، وجوه خود را دریافت کند و قابلیت واگذاری گواهی سپرده به فرد دیگری نیست و اگر رابطه به این صورت تعریف شود امکان خرید و فروش این اوراق در بازار ثانویه وجود ندارد. مگر اینکه بانک و دارنده اوراق گواهی سپرده طی قرارداد صلح و یا شرط ضمن عقد، این شرایط را ایجاد کرده باشند که دارنده اوراق برای فروش این اوراق در بازار ثانویه نیازی به مراجعه به بانک و فسخ قرارداد وکالت خود ندارد این مورد نیز در دستورالعمل بانک مرکزی پیش‌بینی شده است و ضمن اینکه شرایط عمده قرارداد سپرده‌گذاری در اوراق گواهی سپرده قید می‌شود؛ قابل انتقال به غیر بوده و سپرده‌گذاران می‌توانند این گواهی را بدون فسخ عقد وکالت و تحمل جریمه در سازمان بورس اوراق بهادار، بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری معامله و حقوق خود را صلح کنند.

مرکزی از قبیل نرخ سود علی‌الحساب این اوراق، سررسید، جریمه، بازخرید قبل از سررسید و سایر شرایط مربوطه از سوی رئیس کل بانک مرکزی تعیین شود.

آنچنان که از متن قانون برنامه پنجم برمی‌آید اجازه انتشار اوراق مشارکت برای اعمال سیاست پولی به بانک مرکزی داده نشده است؛ و به این بانک تنها اجازه انتشار این اوراق برای تأمین مالی پروژه داده می‌شود و اجازه انتشار برای این اوراق با هدف اعمال سیاست پولی در سال‌های برنامه پنجم به وسیله شورای پول و اعتبار، برخلاف قانون برنامه پنجم توسعه و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد مغایر با عملیات بانکی بدون رباست.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از نتایج بررسی انجام شده، سیاست‌های اعمال شده از جهت میزان مطابقت با قوانین و عملیات بانکی بدون ربا را می‌توان به پنج دسته به صورت زیر تقسیم کرد:

دسته اول مجموعه سیاست‌های پولی هستند که مبنای قانونی داشته و به لحاظ ماهیت فقهی نیز مطابق با عملیات بانکی بدون ربا می‌باشند. این دسته شامل: تعیین سقف و سهمیه‌بندی افزایش در مانده تسهیلات اعطایی و نرخ سود و سهم سود بانک‌ها و حداقل نرخ سود انتظاری تسهیلات (سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷، برنامه اول، دوم، سوم و پنجم توسعه) تأسیس بانک غیردولتی (برنامه سوم توسعه)؛ تعیین حق‌الوکاله سپرده‌های سرمایه‌گذاری (برنامه چهارم توسعه) می‌باشد.

دسته دوم مجموعه سیاست‌های پولی هستند که مبنای قانونی داشته لیکن از آن جهت که ابزارهای جدیدی بوده و عموماً در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ به آنها اشاره‌ای نشده است؛ در طول متن به لحاظ ماهیت فقهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این دسته شامل: تعیین نسبت سپرده قانونی (سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷، برنامه اول، دوم، سوم و پنجم توسعه)؛ انتشار اوراق مشارکت ویژه (برنامه سوم توسعه)؛ راه‌اندازی بازار بین‌بانکی (برنامه چهارم توسعه)؛ انتشار اوراق گواهی سپرده عام و خاص (برنامه پنجم توسعه) می‌باشد.

دسته سوم سیاست‌هایی هستند که با قواعد قانونی مشخص شده برای آن سال‌ها

مطابقت نداشته اما به لحاظ ماهیتی مغایرتی با عملیات بانکی بدون ربا نداشته‌اند؛ این دسته عموماً شامل سیاست‌هایی می‌شوند که نافی نسبت‌های تعیین شده برای موارد مختلف در برنامه‌های توسعه و دیگر قوانین می‌باشند. این دسته شامل: تعیین سقف افزایش در مانده تسهیلات اعطایی (برنامه دوم توسعه)؛ تعیین نرخ سود تسهیلات بانکی، آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین و تعیین نسبت سپرده قانونی (برنامه چهارم توسعه) می‌باشد.

دسته چهارم سیاست‌های پولی اعمال شده‌ای هستند که مبنای قانونی نداشته و از نظر ماهیت نیز مغایر با عملیات بانکداری بدون ربا می‌باشند. این دسته شامل: خرید اوراق قرضه بانک مرکزی (سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ و برنامه اول توسعه)؛ تعیین نرخ سود و نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری (سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ و برنامه اول، دوم و چهارم توسعه)؛ اجازه افتتاح حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی (برنامه دوم توسعه) انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی (برنامه سوم و پنجم توسعه)؛ کنترل اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی (برنامه چهارم توسعه) می‌باشد.

از آنجا که تصویب قوانین برنامه‌های چندساله توسعه توسط مجلس شورای اسلامی مختص به سال‌های پس از تصویب و اجرایی شدن قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد، انتظار این است که تمام ابزارهای موجود در این قوانین مطابق با شرع مقدس اسلام و بانکداری بدون ربا باشند، لیکن در دو مورد با وجود اینکه سیاست پولی اعمال شده توسط بانک مرکزی مطابق با قوانین برنامه توسعه در آن سال‌هاست به لحاظ ماهیتی مغایر با عملیات بانکی بدون ربا بوده است که دسته پنجم این نوع سیاست‌های اعمال شده را شامل می‌شوند. این دسته شامل: انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی (برنامه چهارم توسعه) و تعیین نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها سرمایه‌گذاری (برنامه پنجم توسعه) می‌باشد.

- آسیب‌ها و پیشنهادها

از آنجا که بررسی موشکافانه سیاست‌های پولی اعمال شده به نویسندگان این مقاله دید جامع‌تری درباره دلیل یا دلایل اعمال برخی از سیاست‌های خلاف قانون و عملیات بانکی

بدون ربا داده است، از این رو به ذکر برخی از این آسیب‌ها و پیشنهادهایی برای رفع آنها می‌پردازیم:

۱. نبود آشنایی کافی قانونگذاران و متولیان سیاستگذاری پولی با مبانی فقهی عملیات بانکی بدون ربا و مشکل در نوع نگاه به بانکداری بدون ربا در مقابل بانکداری ربوی.

پیشنهاد می‌شود نهادی مستقل در جهت تحقیق و تولید محتوا در زمینه ماهیت و الزامات بانکداری بدون ربا و تفاوت‌های ماهیتی و ابزارهای مورد استفاده در این نوع از بانکداری با بانکداری متعارف تأسیس و محصولات تولید شده توسط این نهاد در اختیار تمام اشخاص و نهادها اعم از قانونگذاران و ... که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌ها و تعیین خط‌مشی نظام بانکی کشور تأثیر دارند، قرار گیرد تا افراد مذکور به تناسب شغل و موقعیت خود علاوه بر آشنایی با مبانی فقهی، بانکداری بدون ربا را یک پدیده مستحدثه و مستقل و مبتنی بر مبانی فقهی خود دانسته و تلاش خود را در جهت استفاده از ابزارهای متناسب با این نوع بانکداری به جای تقلید از ابزارهای رایج در بانکداری متعارف و سعی در اسلامی‌سازی صورتی آن کنند.

۲. استفاده نکردن از ابزارهای سیاست پولی جدید بانکداری بدون ربا به جای ابزارهای ناکارآمد.

پیشنهاد می‌شود بررسی‌هایی توسط بانک مرکزی در زمینه امکان استفاده از ابزارهای جایگزین برای اعمال سیاست پولی در بانکداری بدون ربا؛ در کشور صورت گرفته و این ابزارها در صورت امکان مورد استفاده قرار گیرند.

۳. عدم وجود نظارت کافی در اجرایی شدن قانون عملیات بانکی بدون ربا. پیشنهاد می‌شود با استفاده از تجربه سایر کشورها و تحقیقات صورت گرفته در زمینه نظارت شرعی و برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه، الگویی جامع به‌منظور تأمین وظیفه نظارت شرعی در سیستم بانکداری کشور تدوین شود.

۴. تنوع مراجع تصمیم‌گیرنده برای اعمال سیاست پولی و اختلاف میان این سیاست‌ها. پیشنهاد می‌شود سیاستگذاری پولی در کشور از یک مجرای خاص صورت گرفته و یا اینکه حداقل همه سیاست‌های پولی برای تصویب و یا اجرایی شدن نیاز به تأیید یک

نهاد خاص که از جایگاه قانونی برخوردار بوده را داشته باشند تا در مواقعی که سیاست‌ها چه به لحاظ مطابقت با عملیات بانکی بدون ربا و چه به لحاظ آثار اقتصادی محل اشکال بودند بتوان از آن نهاد انتظار پاسخگویی و رسیدگی داشت.

۵. نبود نهاد نظارتی مناسب برای بررسی تناسب میان سیاست‌های پولی مصوب و اعمال شده با عملیات بانکی بدون ربا.

پیشنهاد می‌شود نهادی با وظیفه بررسی تناسب میان سیاست‌های پولی مصوب و عملکرد سیاستگذاری پولی با عملیات بانکی بدون ربا تأسیس شود تا علاوه بر مشخص کردن سیاست‌های مغایر با بانکداری بدون ربا به تحقیق در زمینه سیاستگذاری‌های پولی و ارائه سیاست‌های جایگزین پردازد.

۶. نواقص موجود در قانون عملیات بانکی بدون ربا و وجود چند قانون مرجع. پیشنهاد می‌شود در قانون عملیات بانکداری بدون ربا بازنگری شده و قانون جدیدی به‌عنوان تنها مرجع قانونی برای عملیات بانکی و همچنین اعمال سیاست پولی در کشور تصویب و اجرا شود.

منابع و مآخذ

۱. ارشدی، علی و حسین میسمی (۱۳۹۰). «ارزیابی بسته‌های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی»، تازه‌های اقتصاد، ش ۲۸.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). *ابزارهای سیاست پولی در ایران*، بازیابی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، www.cbi.ir.
۳. _____ (سال‌های مختلف). *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی*، تهران.
۴. بهمنی، محمود (۱۳۷۶). «عملکرد ابزارهای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ایران طی دهه گذشته»، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.
۵. بیدآباد، بیژن (۱۳۹۳). «اوراق خزانه بدون ربا (ریالی و ارزی)»، بیست و چهارمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۶. چاپرا، محمد (۱۴۰۴ ه. ق.). «النظام النقدي و المصرفي في الاقتصاد الاسلامي»، *ابحاث الاسلامی*، ج ۱.
۷. دادگر، یدالله (۱۳۷۶). «ماهیت و چارچوب سیاست پولی و ابزارهای آن در نظام بانکداری اسلامی»، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۸. فراهانی فرد، سعید (۱۳۷۶). *سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. فرجی دانا، یوسف (۱۳۸۰). «بررسی تطبیق کارایی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول»، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.
۱۰. قضاوی، حسین و حسین بزمحمدی (۱۳۹۰). «عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا؛ مطالعه موردی: اسناد خزانه اسلامی»، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (گزارش پژوهشی).
۱۱. کمیجانی، اکبر (۱۳۸۹). «عملکرد سیاست پولی در ایران طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۸»، تازه‌های اقتصاد، سال نهم، ش ۱۳۲ و ۴۳.
۱۲. مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۲). *قانون عملیات بانکی بدون ربا*، تهران.
۱۳. _____ (۱۳۷۷). *قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت*، بازیابی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir>.
۱۴. _____ (سال‌های مختلف). *قوانین برنامه‌های توسعه*، تهران.

۱۵. مجلس شورای ملی و مجلس سنا (۱۳۵۱ و ۱۳۳۹). «قانون بانکی و پولی کشور»، تهران، سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. موسویان، سیدعباس (۱۳۷۷). «بررسی فقهی - اقتصادی بازار ثانویه سپرده‌های مدت‌دار در بانکداری بدون ربا»، مجموعه مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.
۱۷. _____ (۱۳۹۰). صکوک مرابحه ابزاری برای بازار پول و سرمایه اسلامی، طرح تحول نظام بانکی (اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. _____ (۱۳۸۰). «مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال اول، ش ۳.
۱۹. موسویان، سیدعباس، کامران ندیری و حسین میسمی (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی فقهی - اقتصادی اوراق مشارکت بانک مرکزی براساس نظر خبرگان»، مجموعه مقالات بیست‌ونهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
۲۰. میسمی، حسین، سیدعباس موسویان، محسن عبداللهی و حامد امراللهی (۱۳۹۱). «تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور»، دوفصلنامه علمی تخصصی اقتصاد اسلامی، دوره چهارم، ش ۸.
۲۱. نظافتیان، علی (۱۳۹۲). بررسی و نقد مبانی قانونی و حقوقی بانکداری بدون ربا در ایران، تهران: پژوهشگاه پولی و بانکی بانک مرکزی.
۲۲. نظریور، محمدنقی (۱۳۸۴). «اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای اعمال سیاست پولی»، فصلنامه علمی تخصصی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. نظریور، محمدنقی و میثم حقیقی (۱۳۹۲). نقش بانک مرکزی در اعمال سیاست پولی به وسیله بازار بین‌بانکی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸). «مبانی فقهی اوراق مشارکت»، مجموعه مقالات دهمین کنفرانس بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.
۲۵. همتی، عبدالناصر (۱۳۹۳). «مصاحبه در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری»، بازیابی در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳، از باشگاه خبرنگاران: www.yjc.ir